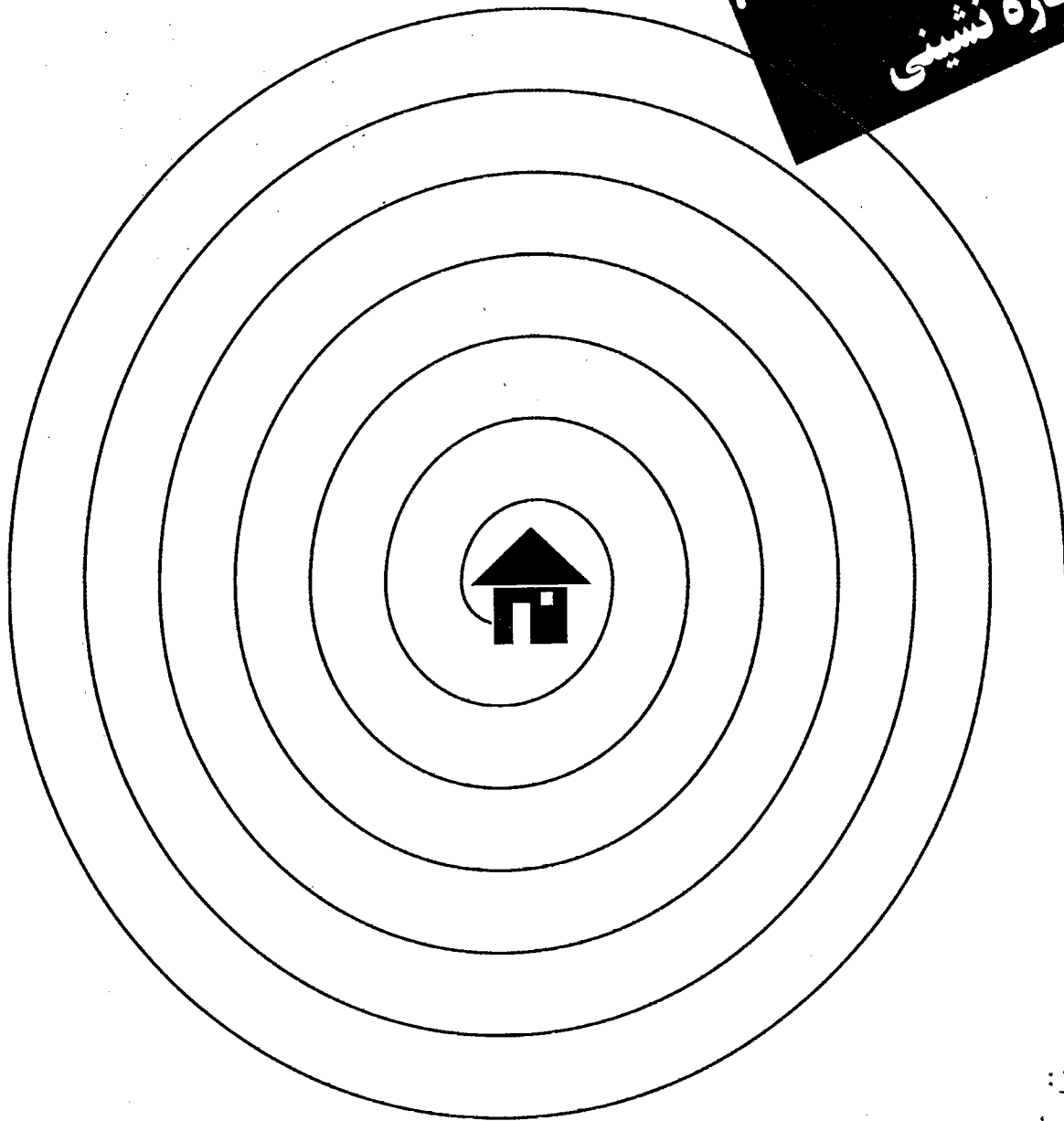


حقوق اقتصاد

اطلاع رسانی، تحلیلی، آموزشی، پژوهشی / شماره یک / مرداد ۱۳۸۷ / ۱۰۰۰۰ ریال

ویژه نامه سکونت، مسکن، اجاره نشینی



با آثاری از:

محمد حسین ادیب

رضا مجید زاده

فرهاد فرنیآ

محمد حسن یاری

محسن محبی

محمود جامساز

محسن رنانی

مهدی شبروهی

علی فتاحی

مهتاب صابری نمین

حقوق مالکیت و هزینه های اجتماعی: معیاری برای دسته بندی نظریه های اقتصادی

دکتر محسن رنانی
عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

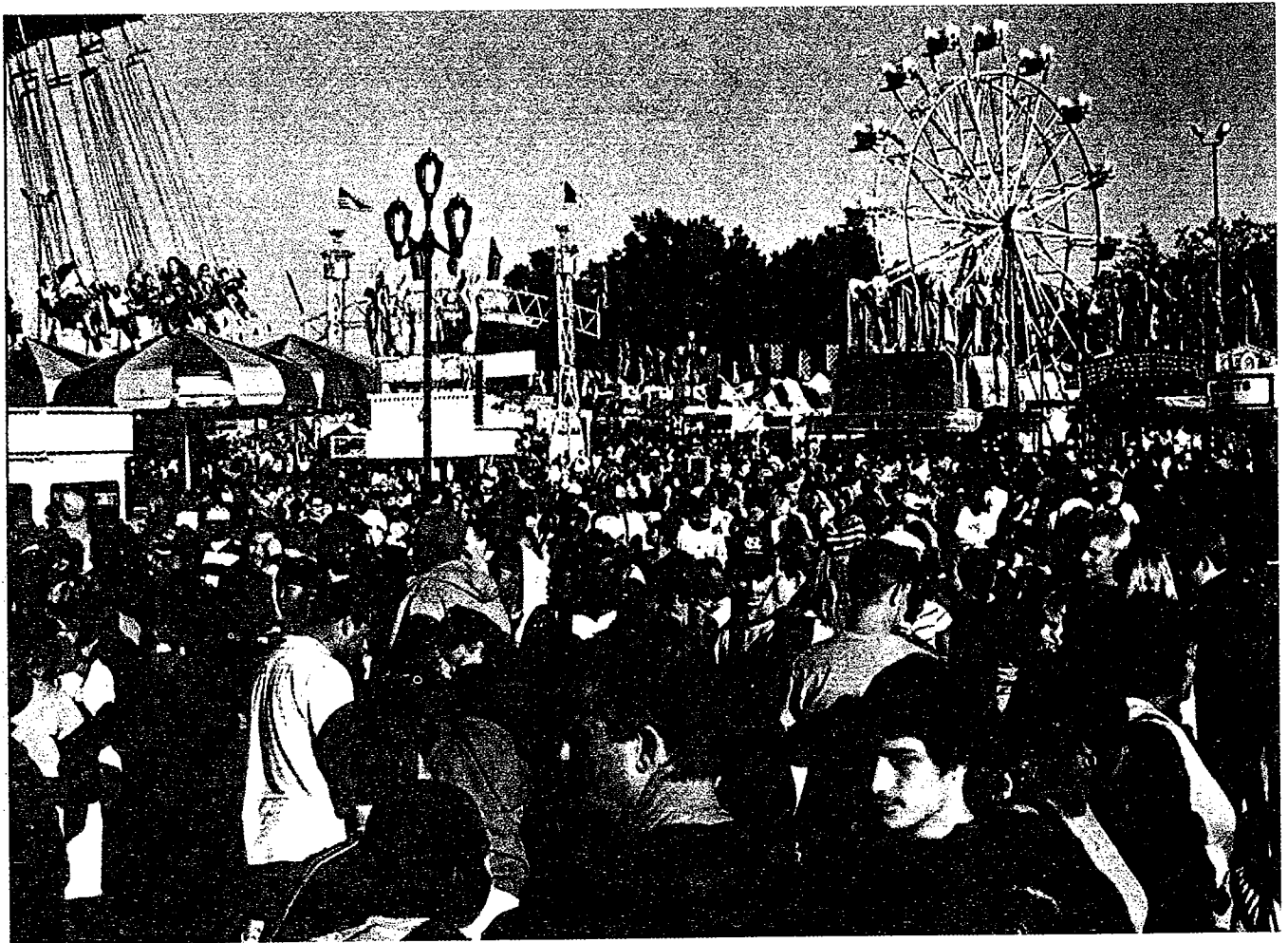
چکیده

تولید، مبادله و مصرف، علاوه بر هزینه های واقعی اقتصادی، آلوده به هزینه های متنوع دیگری است که همگی زیر نام هزینه های اجتماعی قرار می گیرند. هزینه های اجتماعی را می توان در سه دسته کلی هزینه های مبادله، هزینه های سواری مجانی و هزینه های رانت جویی قرار داد. هر سه دسته این هزینه ها، ناشی از رفتارهای فرصت طلبانه افراد، گروه ها، موسسه های اقتصادی یا مقامات قانونگذار است. هرگونه فرصت طلبی، به معنی تعدی به حقوق مالکیت طرف های مقابل است. اقتصاد نوکلاسیک، اصولاً وجود فرصت طلبی و هزینه های اجتماعی را نادیده گرفته و تحلیل را با تاکید بر هزینه های صرفاً اقتصادی تولید دنبال کرده است. وظیفه تحلیل رفتارهای فرصت طلبانه کارگزاران اقتصادی و مقامات و تاثیر آن بر عملکرد اقتصاد را می توان در سه دسته نظریه جای داد: نظریه هزینه مبادله، نظریه کنش جمعی و نظریه انتخاب عمومی. این مقاله، نخست نشان می دهد که هر نوع تصمیم اقتصادی، به منزله تصمیم برای انجام مجموعه ای از مبادله های حقوق مالکیتی است. آنگاه به بیان این مساله می پردازد که همه انواع هزینه های اجتماعی، ریشه در نوعی رفتار فرصت طلبانه از سوی کارگزاران خصوصی یا مقامات دولتی دارند. سپس با معرفی معیارهایی، به گروه شناسی انواع کالاهای تولید شده توسط بخش خصوصی یا دولتی می پردازد، و بر آن اساس، مشخص می کند که انواع هزینه های اجتماعی در کدام گروه کالاهای بیشتر رخ می دهد. در پایان نیز با مقایسه انواع پیش فرض ها در رویکردها (مکتب های) اقتصادی مختلف، نوع هزینه های اجتماعی را که در هر مکتب مغفول مانده است، مشخص می کند.

مقدمه

اصولاً تحولات اجتماعی با خود مجموعه ای از مفاهیم جدید - و به تبع آن، واژگان جدید - را وارد گفتمان اجتماعی می کنند. در جامعه ای که دارای پویایی تاریخی در زمینه مفهوم سازی است و مفاهیم ابداعی اش متکی بر تجارب تاریخی خویش است، این مفاهیم تازه، با دیگر عناصر نظام اجتماعی - از جمله نهادها، فرهنگ و... - سازگار است و برای آحاد جامعه قابل درک می باشد. تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران در دو دهه اخیر بسیار سریع بوده است. سرعت تحولات در ایران معاصر، همراه با گسترش پیوندها با جامعه جهانی (اگرچه این پیوندها در مقایسه با سرعت و عمق ارتباط دیگر کشورهای جهان با جامعه جهانی، هنوز محدود است) زایش و ریزش مفاهیم جدید را به نظام اجتماعی ما سرعت بخشیده است. از آنجا که در سال های اخیر انبوهی از این مفاهیم به طور برونزا وارد

گسست ارتباط میان
منافع دو بسته
حقوقی که با تصمیم
عمومی مبادله
می شوند، و فقدان
ضرورت برابری
ارزش آنها، شکافی را
ایجاد می کند که
احتمال
بهره برداری های
ویژه را برای برخی
پدید می آورد.



وسایل گرانقیمتی که برای پارک خریداری می‌شود، منفعت فراوانی را نصیب تولیدکننده وسایل مزبور می‌کند، ولی منفعت اندکی برای مالیات دهندگان دارد.

خواه خصوصی یا عمومی - که در آن نوعی مبادله یا تعریف مجدد حقوق نهفته باشد، می‌توان تصمیم اقتصادی نامید^(۱). تاجری که تصمیم به فروش کالای خود می‌گیرد، تصمیم گرفته است که یک بسته حقوق مالکیتی خویش را - که شامل حق استفاده، سوءاستفاده، عدم استفاده، نگهداری، واگذاری، مصرف و... برای آن کالا است - با بسته‌ای از حقوق مالکیتی دیگر (که پول نماینده آن است) مبادله کند. به همین ترتیب، صنعتگری که تصمیم به تولید یک کالای صنعتی می‌گیرد، در واقع، تصمیم به انجام مجموعه‌ای از مبادلات گرفته است که در هر مبادله دو بسته حقوقی متفاوت، اما هم‌ارزش، مبادله می‌شوند. مثلاً مبادله حقوق مالکیتی کارگر، مربوط به ساعاتی است که می‌تواند کار یا استراحت کند، با پول کارفرما (دستمزد پرداختی)؛ مبادله حقوق مالکیت مواد اولیه تولید، با پول کارفرما (قیمت پرداختی برای مواد اولیه)؛ مبادله حقوق مالکیت زمین یا محل کارگاه، با پول کارفرما (اجاره پرداختی) و... از جمله مبادله‌هایی هستند که در این تصمیم اقتصادی نهفته‌اند^(۲).

به همین ترتیب، وقتی که مقامات محلی تصمیم به احداث یک پارک می‌گیرند، در واقع، مجموعه‌ای از تصمیمات حقوق مالکیتی را یکجا اتخاذ کرده‌اند. به دیگر سخن، آنها به نمایندگی از جامعه، تصمیم گرفته‌اند که یک شکل از حقوق مالکیت را با شکل

گفتمان‌های اجتماعی در ایران شده‌اند، لذا مستعد آن هستند که دریافتی سطحی و اشتباه‌آمیز - و معمولاً مستعد کاربرد در منازعات سیاسی - از آنها پدید آید که مانع آن می‌شود تا این مفاهیم جدید نقش مثبت خود را در فرایند تکاملی جامعه به خوبی ایفا کنند. رانت جویی، سواری مجانی، فرصت طلبی، هزینه مبادله، هزینه‌های اجتماعی، نهادگرایی و مانند اینها، اصطلاحات فنی و تخصصی اقتصادی هستند که به تدریج، در ایران، وارد عرصه‌های عمومی‌تر تحلیل‌های اجتماعی شده‌اند و توسط نویسندگان حوزه‌های مختلف به کار گرفته می‌شوند. از آنجا که این واژگان برای مفاهیم دقیق و مشخص علمی وضع شده‌اند، اما در موارد بسیاری به نیکی از آنها بهره گرفته نمی‌شود و در جای خود به کار نمی‌روند، لذا بیم آن می‌رود که در چنین شرایطی، جامعه ایران از خدمات مهمی که این مفاهیم می‌توانند در شناخت و بهبود نظام اجتماعی، اقتصادی ارایه دهند، محروم شود. این نوشتار در پی آن است که تا حد ممکن، مفهوم دقیق و علمی برخی از این اصطلاحات و موضع کاربرد آنها و همچنین انواع هزینه‌های اجتماعی و نظریه‌های اقتصادی مرتبط با آنها را باز نماید.

(۱) تصمیمات اقتصادی: مبادله بسته‌های حقوقی در یک مفهوم بسیار کلی، هرگونه تصمیمی را -

اختلاف بنیادین
نهاده‌گرایان با
نوکلاریسم‌ها، در
فرض پذیرش
رفتارهای
فرصت طلبانه توسط
بخش خصوصی و
اطلاعات ناقص است.

زمین کوچک، اما گرانقیمتی در نقطه ویژه‌ای از شهر شود (که بیشتر به سود فروشنده زمین خواهد بود تا مالیات‌دهندگان). یا وسایل گرانقیمتی برای پارک خریداری شود که منفعت فراوانی را نصیب تولیدکننده وسایل مزبور می‌کند، ولی منفعت اندکی برای مالیات‌دهندگان دارد. بنابراین، گسست ارتباط میان منافع دو بسته حقوقی که با تصمیم عمومی مبادله می‌شوند و فقدان ضرورت برابری ارزش آنها، شکافی را ایجاد می‌کند که احتمال بهره‌برداری‌های ویژه را برای برخی پدید می‌آورد. همین که وجود نابرابری احتمالی در ارزش بسته‌های حقوقی، در تصمیم عمومی، پذیرفته شد، خودبه‌خود این امکان پدید می‌آید که این نابرابری بسیار بزرگ باشد. بنابراین فرصت‌هایی پدید می‌آید تا برخی (افراد یا گروه‌ها)، از این شکاف و از گسترش آن، به نفع خویش بهره‌برداری کنند. تلاش -گرچه قانونی برای بهره‌برداری از این فرصت‌های منفعت‌آمیز، هزینه‌هایی را بر جامعه تحمیل می‌کند که غیر ضروری است و فعالیت جامعه را از بهینگی و کارایی دور می‌کند. این هزینه‌ها را که برخاسته از ساختار نهادی جامعه و مناسبات اجتماعی هستند - و نه ناشی از الزامات فنی اقتصادی - می‌توان هزینه‌های اجتماعی (Social Costs) نامید.

۲) هزینه‌های اجتماعی: هزینه رفتارهای فرصت طلبانه

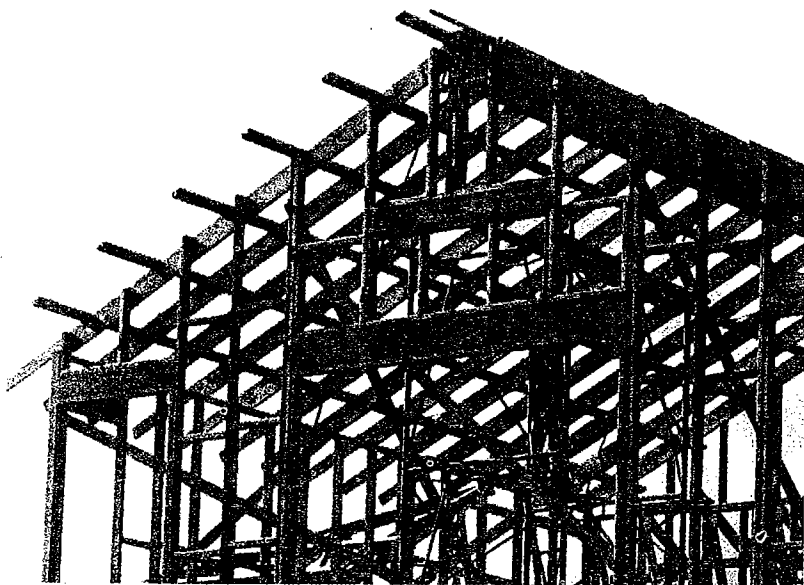
اکنون با توجه به تقسیم‌بندی تصمیمات اقتصادی که در بالا آمد، می‌توان انواع هزینه‌های اجتماعی را که در تصمیمات اقتصادی تحمیل می‌شوند، شناسایی کرد:

الف) نخست به تصمیمات خصوصی می‌پردازیم. وقتی که نجاری تصمیم به ساختن و فروش تعدادی میز می‌گیرد، در واقع، تصمیم به انجام یکسری مبادله میان خود و دیگران گرفته است. مبادله‌هایی که به لحاظ فنی برای ساختن میزها ضروری می‌باشند، عبارتند از: خرید چوب و دیگر

دیگر آن مبادله -یا تعویض- کنند. مثلاً دریافت مالیات از یک سو، و صرف آن برای احداث پارک از سوی دیگر، به این مفهوم است که تصمیم گرفته شده است که بخشی از حقوق مالکیت صاحبان درآمد (یعنی برخی از افراد جامعه) گرفته شود و بعد به صورت یک بسته حقوقی جدید (حق استفاده از فضای سبز) به طور مشاع به جامعه واگذار شود (توزیع مجدد حقوق مالکیت). همچنین، هنگامی که قانونگذار، مثلاً قانون منع احداث ساختمان‌های بیش از چهار طبقه را تصویب می‌کند، نوعی توزیع مجدد حقوق در مورد حق استفاده از فضا، به وجود آورده است (سلب حق از کسی که قصد ساخت و ساز بیش از چهار طبقه دارد و واگذار کردن حق ممانعت - و البته حق برخورداری از نور و فضای بیشتر - به همسایگان).

در یک نگاه کلی، مجموعه تصمیمات اقتصادی یک جامعه را می‌توان به دو دسته تصمیمات خصوصی و تصمیمات عمومی تقسیم کرد. در تصمیم اقتصادی خصوصی، منافع و هزینه‌های اجرای هر تصمیم، فقط بر خود تصمیم‌گیرنده تحمیل می‌شود، اما در تصمیم اقتصادی عمومی، منافع و هزینه‌های تصمیم بر کسان دیگری - غیر از فرد تصمیم‌گیرنده - نیز تحمیل می‌شود. تصمیم اقتصادی خصوصی، عملی و محقق نخواهد شد - یعنی مبادله‌های نهفته در هر تصمیم، انجام نخواهد شد - مگر آنکه طرفین، از مبادله منتفع شوند. در واقع، در مبادله خصوصی، برای هر یک از طرفین، ارزش بسته حقوقی‌ای که می‌گیرد، بیش از -یا حداقل به اندازه- ارزش بسته‌ای است که می‌دهد (در غیراینصورت، مبادله برای چه؟). بنابراین، می‌توان پذیرفت که معمولاً منافع خالص اجتماعی در مبادله‌ها یا تصمیمات خصوصی، افزایش می‌یابد، مشروط بر آن که در چارچوب قوانین جاری جامعه باشد.

اما این قاعده در تصمیمات عمومی جاری نیست. تصمیم عمومی می‌تواند گرفته شود، بدون آنکه الزاماً ارزش بسته‌های حقوقی مبادله‌شده برابر باشد. علت آن هم در وجود انحصار مشروع قدرت در دست تصمیم‌گیرنده عمومی است^(۳). معلوم نیست که منافع نهفته در بسته حقوق مالکیتی مربوط به حق استفاده از فضای سبز، با هزینه‌هایی که از طریق مالیات برای احداث پارک به جامعه تحمیل شده است، برابر باشد. در تصمیمات عمومی، معمولاً قاعده‌ای - و البته امکان آن نیز وجود ندارد که براساس آن تصمیم‌گیرنده عمومی مجبور باشد برابری ارزش دو بسته حقوقی معاوضه‌شده (یا برابری هزینه‌ها و فایده‌های مترتب بر جابجایی حقوق مالکیت) را رعایت و تضمین کند. پس این امکان وجود خواهد داشت که مثلاً به‌عنوان احداث پارک، مالیاتی از همه اهالی شهر دریافت شود، ولی پارک در جایی احداث شود که همه نتوانند به اندازه مالیاتی که پرداخته‌اند، از آن بهره ببرند. یا بخش اعظم مالیات‌های پارک، صرف خرید





در تصمیمات عمومی نیز
بعضی هزینه‌ها بر جامعه
تحمیل می‌شود.

برای تولید یک کالا، انجام آن هزینه‌ها ضروری نیست. اینگونه هزینه‌ها را هزینه مبادله می‌نامند. هزینه مبادله، هزینه‌ای است که به لحاظ فنی برای گردش امور اقتصادی و تولیدی جامعه لازم نیست، اما عملاً تحمیل می‌شود. هزینه مبادله، هزینه‌های ناشی از رفتارهای فرصت‌طلبانه در قراردادهای مبادله‌های خصوصی است، هزینه‌هایی است که هنگام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای تولید، قابل پیش‌بینی نیستند، اما در عمل هنگام تولید، بر تولیدکننده تحمیل می‌شوند، هزینه‌هایی است که به واسطه عقب‌ماندگی نهادی جامعه، بر تولید تحمیل می‌شود، و سرانجام، هزینه‌هایی است که هنگام ناتوانی دولت و نظام قضایی جامعه در حفاظت از (تعریف و تضمین) حقوق مالکیت مردم، بر جامعه تحمیل می‌شود. بنابراین، هزینه مبادله، یک هزینه اجتماعی است که از میان مناسبات اجتماعی و نهادی جامعه پدیدار می‌شود و بر نظام اقتصادی و تولیدی جامعه تحمیل می‌شود. هزینه‌های مبادله‌ای سنگین، یکی از عمده‌ترین موانع رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و از جمله در ایران می‌باشند^(۴).

ب) اما در تصمیمات عمومی نیز برخی هزینه‌ها بر جامعه تحمیل می‌شوند که برای اتخاذ و اجرای یک تصمیم عمومی لازم نیستند، اما عملاً وجود دارند. این هزینه‌ها نیز با رفتارهای فرصت‌طلبانه مقامات تصمیم‌گیرنده، و برخی از افراد یا گروه‌های دیگر ایجاد می‌شوند و هرچه چارچوب نهادی و قانونی جامعه، عقب‌مانده‌تر باشد، اندازه این هزینه‌ها بزرگتر می‌شود. مقامات - خواه به عنوان افراد یا به عنوان گروه‌هایی از افراد، مثل مجالس قانونگذاری - معمولاً دو دسته تصمیم عمومی می‌گیرند: نخست، تصمیم در مورد مقدار تولید کالاهای عمومی (کالاهایی که همه افراد جامعه می‌توانند به‌طور مشترک و همزمان از آنها استفاده کنند و کسی را نمی‌توان از مصرف آنها منع

مواد اولیه، خرید نیروی کار کارگران، استفاده از (خرید) برق و... و سرانجام، مبادله میزها با پول متقاضیان میز. بدیهی است که با فرض عقلانی رفتارکردن نجار، او خواهد کوشید تا میزها را با کمترین هزینه ممکن تولید کند (یعنی اول تعداد مبادله‌های لازم برای تولید میزها را به حداقل می‌رساند و در هر مبادله نیز می‌کوشد تا ارزش آنچه می‌گیرد، حداقل برابر آنچه می‌دهد، باشد). در این صورت، او میزها را با حداقل هزینه ممکن تولید کرده است. آنچه او تا اینجا صرف تولید میزها کرده است، هزینه‌های اقتصادی لازم برای تولید بوده‌اند که اگر انجام نمی‌شدند، میزی تولید نمی‌شد.

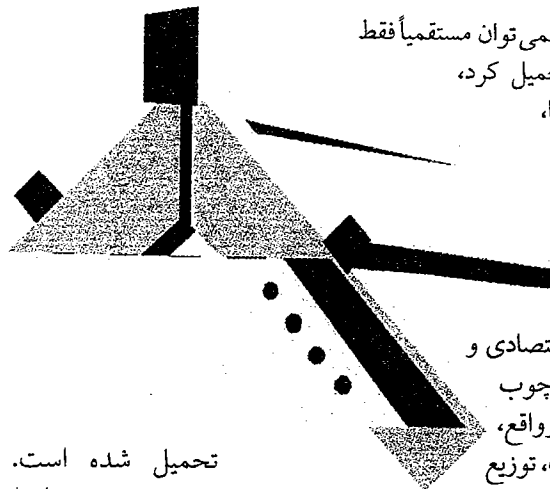
اما در واقع، تا اینجا چندین فرض به‌طور تلویحی در مورد رفتار نجار یادشده و طرف‌های او در مبادله‌های انگاشته شده است، فرض‌هایی مثل این که: نجار برای تولید میز، اطلاعات کافی از بسته‌های حقوقی مبادله‌شده دارد؛ طرف‌های مقابل نجار، دست به رفتارهای فرصت‌طلبانه نمی‌زنند و از قراردادهای خود با نجار عدول نمی‌کنند؛ قوانین مربوط به حقوق مالکیت افراد و مربوط به مبادله حقوق، به اندازه کافی صریح، گویا و شفاف هستند؛ دولت امکانات نهادی و ابزارهای قانونی لازم را در اختیار آنها قرار داده است تا حقوق مالکیتی خود را به‌خوبی تعریف و حفاظت کنند؛ دولت یک دستگاه قضایی ارزان، سریع، قاطع، بی‌طرف و همه‌جادر دسترس را در اختیار جامعه قرار داده است تا در مورد اختلافات یا در مواردی که یکی از طرفین از شرایط قرارداد عدول می‌کند، داوری کند یا طرف خاطی را مجبور به انجام تعهداتش کند؛ و فروض دیگری از این قبیل.

اکنون اگر هر کدام از این فروض، نقض یا سست شوند، نتیجه کار به‌سادگی آنچه بیشتر گفتیم، نخواهد بود. مثلاً فرض کنید که چوب‌های خریداری شده توسط نجار، برخلاف قرارداد، دارای عیوبی باشد؛ یا کارگران در هنگام غیبت کارفرمای خود، کم‌کاری کنند؛ یا جریان برق شهر قطع و وصل شود و موجب سوختن یکی از دستگاه‌های نجار شود؛ یا چک‌هایی که نجار از خریداران میزها دریافت کرده است، در سررسید خود، وصول نشوند؛ و موارد ممکن دیگری از این دست. همه اینها هزینه‌هایی را بر تولیدکننده تحمیل می‌کنند که برای ساخت میزها لازم نیست، اما عملاً وجود دارد. این هزینه‌ها، ناشی از رفتارهای فرصت‌طلبانه طرف‌های قرارداد، ناشی از عدم شفافیت حقوق مالکیت و قوانین مربوطه و ناشی از ناتوانی یا کوتاهی دستگاه قضایی و دولت در تعریف و تضمین حقوق مالکیت مردم است. در چنین شرایطی (وجود رفتارهای فرصت‌طلبانه، ضعف قانون و ضعف دستگاه‌های تضمین‌کننده قراردادهای و حقوق مالکیت مردم)، یا افراد خود مجبورند دست به تضمین حقوقشان بزنند (که برای آنها هزینه دارد) یا آنها را متحمل هزینه‌هایی می‌کند که در واقع و به لحاظ فنی،

**هزینه مبادله،
هزینه‌ای است که
به لحاظ فنی برای
گردش امور اقتصادی
و تولیدی جامعه
لازم نیست، اما عملاً
تحمیل می‌شود.**



شروع به کار نجاری هم آغاز یک سری مبادله است.



کرد، یا هزینه های آن را نمی توان مستقیماً فقط به مصرف کننده آن تحمیل کرد، مثل پارک ها، راه ها، بهداشت عمومی، تولید برنامه های صداوسیما، دفاع ملی و...؛ و دوم، قانونگذاری، یعنی تعیین چارچوب ها و قواعدی که مناسبات اقتصادی و اجتماعی افراد در چارچوب آنها انجام می شود (درواقع، هر قانون جدیدی، تعریف، توزیع یا مرزبندی جدیدی از حقوق مالکیت خصوصی افراد جامعه را ارایه می دهد. بدین ترتیب، خود قانون نیز یک کالای عمومی است و قانونگذاری نیز تولید کالای عمومی محسوب می شود) (۵).

تحمیل شده است. از درون همین رفتار است که گاهی گروه های همسود (ذینفع یا فشار) (۶) پدیدار می شوند. ممکن است همان عضو کمیته، دیگر مزرعه داران و مالکان زمین های غرب شهر را سازماندهی کند و گروهی را پدید آورد که از طریق چانه زنی سیاسی بر تصمیم کمیته تاثیر بگذارند. اکنون هزینه های سازماندهی گروه های همسود نیز بر هزینه های قبلی افزوده می شود. این مجموعه هزینه ها نیز هزینه های اجتماعی هستند که ربطی به ماهیت تولید کالای عمومی (احداث جاده) ندارند و زائیده نهادها و مناسب اجتماعی هستند.

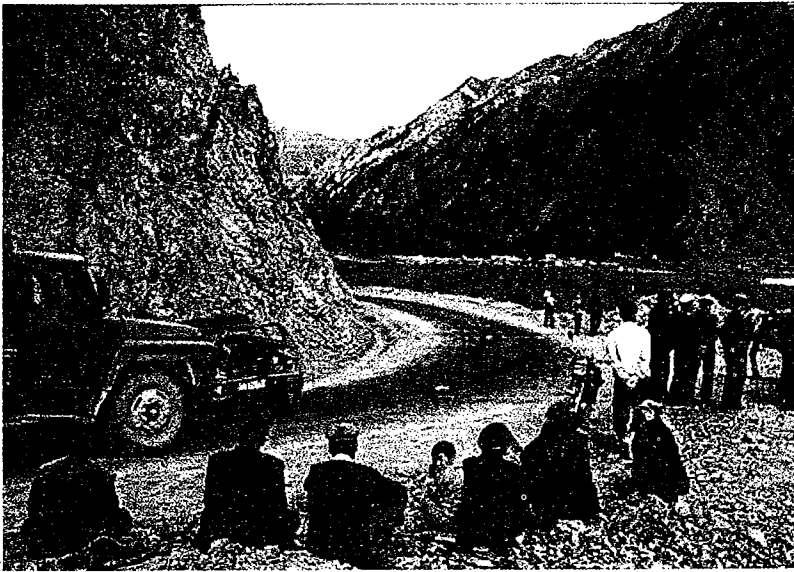
اما در تصمیمات عمومی از نوع دوم (قانونگذاری) نیز با بروز برخی رفتارهای فرصت طلبانه، هزینه های اجتماعی دیگری بر جامعه تحمیل می شود. از آنجا که بحث اصلی این مقاله مربوط به رفتارهای فرصت طلبانه و هزینه های اجتماعی آن در این مورد است، اینگونه هزینه ها در قسمت های آینده مورد بررسی تفصیلی قرار خواهند گرفت. در اینجا تنها اشاره می کنیم که در قانونگذاری نیز دوگونه هزینه قابل شناسایی است: نخست، هزینه های عادی مربوط به مذاکره و کارشناسی و سرانجام حصول توافق در مورد تصویب و سپس اجرای آن قانون؛ دوم، هزینه هایی که به واسطه رفتارهای فرصت طلبانه، هنگام تصویب قانون و تاثیرگذاری بر شکل نهایی قانون، بر جامعه تحمیل می شوند.

رفتارهای فرصت طلبانه ای که برای تاثیرگذاری بر قانون و تصویب آن به سود افراد یا گروه های خاص انجام گیرند (نوعی حقوق مالکیت ویژه برای برخی ایجاد کند)، رفتارهای افزونه خواهانه یا رانت جویانه (Rent Seeking Behaviour) نامیده شده اند. رانت جویی، هنگام تصویب و تأسیس قوانین رخ می دهد و نتیجه آن هم ایجاد نوعی حق ویژه یا امتیاز خاص (حقوق مالکیت جدید) برای برخی افراد یا گروه ها، به هزینه اجتماع، است. در این مورد نیز هزینه های ناکارایی، اتلاف منابع، تشکیل گروه های ذینفع و... پدیدار می شوند که هزینه های اجتماعی

در هر کدام از تصمیمات عمومی، گونه ای از رفتار فرصت طلبانه قابل بروز خواهد بود، مثلاً در مورد تصمیمات عمومی نوع اول (تولید کالاهای عمومی) فرض کنید قرار است یک جاده کمربندی برای شهر احداث شود. اگر یکی از اعضای کمیته تصمیم گیرنده، مزرعه ای در غرب شهر داشته باشد، به سود او خواهد بود که جاده کمربندی از سمت غرب عبور کند (به دلیل سهولت رفتن به مزرعه، افزایش قیمت مزرعه و...). در این وضعیت، ممکن است این فرد دست به رفتاری فرصت طلبانه بزند و علیرغم نظر کارشناسان مبنی بر احداث جاده در شرق شهر، رأی به احداث جاده در غرب بدهد. در واقع، با احداث جاده در غرب شهر، این فرد نوعی سواری مجانی خواهد گرفت، زیرا جاده ای که او باید به هزینه خود، برای مزرعه اش می کشید، اکنون به هزینه جامعه احداث خواهد شد. بنابراین، هزینه های اضافی که جامعه به خاطر احداث جاده در غرب خواهد پرداخت (مثل ناهمواری در مسیر غرب، آلودگی هوای شهر ناشی از جریان یافتن دود اتومبیل ها از سمت غرب به سوی شهر و...)، هزینه هایی هستند که آن رفتار فرصت طلبانه برای گرفتن سواری مجانی بر جامعه تحمیل کرده است. در واقع، سواری مجانی، هزینه های تولید را غیراقتصادی و مقدار تولید را ناکارا می کند (هزینه ناکارایی).

اما هزینه ها به همینجا ختم نمی شوند. اگر آن عضو کمیته که می خواهد بر تصمیم احداث جاده تاثیر بگذارد، به سهولت نتواند چنین کند، مجبور است از راه های دیگری وارد شود، مثلاً اگر دست به نوعی تبلیغات منحرف کننده برای انتشار اطلاعات غلط، پرداخت رشوه، گفتگو و چانه زنی سیاسی با دیگر اعضا و... بزند، هزینه های تازه ای پدیدار می شوند که گرچه ممکن است بخشی از آن هزینه ها بر همان عضو کمیته تحمیل شود، اما مهم این است که هزینه هایی غیرضروری و غیراقتصادی بر جامعه

هزینه مبادله، یک هزینه اجتماعی است که از میان مناسبات اجتماعی و نهادی جامعه پدیدار می گردد و بر نظام اقتصادی و تولیدی جامعه تحمیل می شود.



▲ جاده‌ها اگرچه قابل مصرف مشترک می‌باشند، اما در آنها ازدحام هم روی می‌دهد.

افزایش سطح سلامت جامعه) بهره خواهند برد و نمی‌توان کسی را از منافع آن محروم کرد. برعکس، وقتی که یک لباس تولید شد، به راحتی می‌توان عده‌ای را از مصرف آن محروم کرد و استفاده از آن را به یک فرد خاص منحصر کرد. اما روشن است که امکان محروم و مستنکر کردن عده‌ای از مصرف یک کالا، یک مساله نسبی است و بستگی به سطح تکنولوژی و ترتیبات نهادی جامعه مربوطه دارد. هرچه تکنولوژی و ترتیبات نهادی پیشرفته‌تر باشد، امکان مستنکس‌سازی قوی‌تر است، چرا که هزینه‌های مستنکس‌سازی کمتر می‌شود. بنابراین قابلیت مستنکس‌سازی و هزینه‌های مستنکس‌سازی، دو چهره از یک معیارند و رابطه معکوس دارند، مثلاً کناره‌های خیابان‌های شهر، یک کالای عمومی است که هرکس می‌تواند برای پارک اتومبیل خود از آنها استفاده کند، اما اگر تکنولوژی پیشرفته باشد (نصب پارکومتر) و ترتیبات نهادی، قوی باشد (پلیس کارآمد)، در این صورت، کناره‌های خیابان‌ها، با هزینه اندکی قابل مستنکس‌سازی است و از حالت یک کالای عمومی، به سوی یک کالای خصوصی تغییر وضعیت خواهد داد. بنابراین، با معیار قابلیت مستنکس‌سازی، بر این اساس یک خط حایل میان کالاهای خصوصی و عمومی وجود ندارد و یک درجه بندی از طیف کالاها خواهیم داشت. این معیار به تنهایی نمی‌تواند یک معیار قاطع و قوی برای تقسیم بندی کالاها باشد، اما با معیار دوم (قابلیت مصرف مشترک)، گرچه ما از دشواری نسبی بودن تقسیم بندی رها می‌شویم، اما همچنان با طیفی از کالاها - از خصوصی تا عمومی - روبرو هستیم. نوشابه، کالایی است که هیچ قابلیت مصرف مشترک ندارد؛ وقتی که یکی آن را مصرف می‌کند، همزمان فرد دیگری نمی‌تواند همان نوشابه را مصرف کند. بنابراین، نوشابه یک کالای خصوصی است و با تحول سطح تکنولوژی نیز این ویژگی تغییر نمی‌کند. به عبارت دیگر، در مصرف نوشابه (به عنوان یک کالای خصوصی) ازدحام، بی‌نهایت است، یعنی همین که

قابلیت مصرف مشترک و ازدحام، دو روی یک سکه اند.

ناشی از رانت جویی هستند^(۷).

یادآوری این نکته نیز ضروری است که اعمال تقسیم بندی یادشده در تصمیمات عمومی، همیشه به این روشنی نخواهد بود. باید به یاد سپرد که خود قانون نیز یک کالای عمومی است و قانونگذاری، به منزله تولید قانون و بنابراین، تولید کالای عمومی است. پس در هر صورت، در تولید هر نوع قانون (کالای عمومی)، امکان سواری مجانی وجود دارد. اما گاهی قانونگذاری، درباره یک کالای عمومی انجام می‌گیرد. در این صورت، ممکن است رفتارهای فرصت طلبانه برای گرفتن سواری مجانی و برای رانت جویی، همزمان اتفاق بیفتند، مثلاً دفاع ملی یک کالای عمومی محسوب می‌شود. اکنون هنگام قانونگذاری در این مورد - مثلاً تصویب قانون سربازگیری، یا قانون فروش معافیت از سربازی - امکان بروز هر دو نوع رفتار سواری مجانی یا رانت جویی وجود خواهد داشت. بنابراین، گاهی تفکیک رفتارهای فرصت طلبانه‌ای که در حوزه تصمیمات عمومی رخ می‌دهند، ممکن است با دشواری‌های جدی روبرو شود.

۳) گروه‌شناسی کالاها

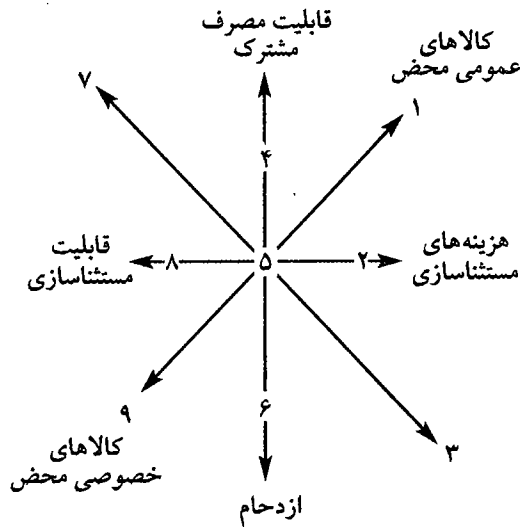
در دو بخش گذشته، به انواع تصمیمات خصوصی و عمومی و هزینه‌های اجتماعی مترتب بر آنها اشاره شد، اما معیار مهمی که بر اساس آن می‌توان انواع تصمیمات اقتصادی و انواع هزینه‌های اجتماعی را دسته بندی کرد، نوع کالایی است که در مورد (تولید و مبادله) آن تصمیم گرفته می‌شود. بنابراین، شناسایی انواع دسته بندی‌های مربوط به کالاها نه تنها برای شفاف تر شدن مباحث دو بخش پیشین، بلکه برای استفاده در دسته بندی تئوری‌ها (بخش بعدی) ضروری است. دقت کنیم که منظور از کالا در این بحث، مفهوم اقتصادی آن است، یعنی هر نوع مال، جنس، کالا، خدمت یا عملی که موجد لذت یا مطلوبیتی باشد و / یا فردی حاضر به پرداخت برای به چنگ آوردن آن باشد. در این صورت، نه تنها یک بستنی، کالا محسوب می‌شود، بلکه خدمات پزشکی، خدمات تعمیر لوازم خانگی، و نظایر اینها نیز کالا هستند. حتی فراتر از این، اجرای نمایش خیابانی یا فالگیری و مانند اینها نیز تولید کالا محسوب می‌شوند. برای شناسایی و دسته بندی انواع کالاها، معمولاً از دو معیار اصلی به طور جداگانه یا مشترک استفاده می‌شود: الف) امکان محروم یا مستنکر کردن عده‌ای از مصرف آن کالا یا قابلیت مستنکس‌سازی، و ب) امکان مصرف همزمان و مشترک همه افراد با هم یا قابلیت مصرف مشترک^(۸). مثلاً با معیار اول، وقتی کالایی پس از تولید، قابلیت مستنکس‌سازی نداشته باشد و نتوان عده‌ای را از منافع آن محروم کرد، آن کالا، یک کالای عمومی است. بنابراین، اجرای برنامه واکسیناسیون همگانی به منزله تولید یک کالای عمومی است که وقتی اجرا شد، همه افراد از منافع آن (یعنی کاهش بیماری‌ها و



یکی شروع به مصرف کرد، هیچکس دیگری نمی تواند وارد مصرف همان کالا شود. در مقابل، دفاع ملی، یک کالای عمومی است که قابلیت مصرف مشترک در آن بی نهایت و ازدحام در آن صفر است، یعنی وقتی از مرزها دفاع شد (تولید امنیت)، همه افراد همزمان از منافع آن بهره می برند (مصرف مشترک) و استفاده یکی، مانع استفاده دیگران نمی شود (فقدان ازدحام). خیابان های شهر نیز نوعی کالای عمومی است که گرچه قابل مصرف مشترک است، اما در آنها ازدحام نیز رخ می دهد، یعنی با ورود پی در پی افراد جدید برای استفاده از خیابان، زمانی فرامی رسد که ورود افراد جدید مانع استفاده افراد قبلی می شود و بنابراین، پدیده ازدحام رخ می دهد. بنابراین، در معیار دوم، قابلیت مصرف مشترک و ازدحام، دو روی یک سکه اند و رابطه آنها منفی است، یعنی با افزایش امکان ازدحام، قابلیت مصرف مشترک کم می شود و برعکس.

برای تشخیص بهتر شیوه تفکیک کالاها و طیف انواع کالاها، می توان از شکل شماره یک بهره گرفت. در این نمودار همه محورها مقادیر مثبت را نشان می دهند، یعنی مبداء مختصات یک مقدار مثبت است (به عبارت دیگر، در مبداء مختصات هر چهار ویژگی در حد متوسط وجود دارند). حرکت به سمت هریک از جهت های چهارگانه، به مفهوم افزایش ویژگی ذکر شده بر روی همان قسمت محور، و کاهش ویژگی ای است که در جهت مخالف آن ذکر شده است. مثلاً حرکت به سمت راست بر روی محور افقی، به منزله افزایش هزینه های مستثناسازی و کاهش قابلیت مستثناسازی است و برعکس. حرکت بر روی محور عمودی نیز همین مفهوم را خواهد داشت. به همین ترتیب، در هرکجای محور عمودی که باشیم، با حرکت به بالا، قابلیت مصرف مشترک را افزایش و ازدحام را کاهش داده ایم و برعکس. بنابراین، با حرکت به سوی شمال شرقی، همزمان قابلیت مصرف مشترک و هزینه های مستثناسازی افزایش می یابند، یعنی به سوی کالای عمومی محض حرکت کرده ایم. همچنین با حرکت به سوی جنوب غربی، همزمان قابلیت مستثناسازی و ازدحام افزایش می یابند و به سوی کالاهای خصوصی محض حرکت می کنیم، اما در فاصله های میانی و در قسمت های شمال غربی و جنوب شرقی محورهای کالاهایی قرار دارند که در حدفاصل دو گونه کالای عمومی محض و خصوصی محض دسته بندی می شوند. برای آرایه مثال هایی از انواع کالاها می توان به احتمالاً در ناحیه های ۱ تا ۹ واقع می شوند، می توان به مثال های جدول شماره یک مراجعه کرد (۹). این مثال ها فقط گویای بخش هایی از طیف بندی کالاها هستند، اما همین گروه شناسی کالاها می تواند ما را در دسته بندی انواع تصمیمات اقتصادی، انواع هزینه های اجتماعی و انواع نظریه های مربوط به آنها یاری دهد.

شکل شماره یک
طیف بندی پیوسته، برای انواع کالاها



۴) هزینه های اجتماعی و مکتب های اقتصادی

اکنون با توجه به گروه شناسی کالاها می توان گفت که در یک اقتصاد بازاری، بیشتر تصمیمات خصوصی مربوط است به تصمیم درباره تولید، مبادله و مصرف کالاهایی که در دسته های سوم تا نهم قرار دارند (گرچه بسته به نوع نظام اقتصادی ممکن است تصمیم در مورد بسیاری از این کالاها را نیز دولت بردوش گرفته باشد، مثل فروش معافیت از خدمت و طبقه یا خدمات صدور گذرنامه یا فروش آمارهای حاصل از سرشماری ها و حتی تولید و فروش شیر پاستوریزه). به همین ترتیب، بیشتر تصمیمات عمومی، متمرکز بر کالاهایی است که در گروه اول و دوم قرار دارند. در واقع، منظور از کالاهای عمومی مورد تأکید در مباحث اقتصادی، بیشتر کالاهایی است که در این دو دسته می گنجند. بنابراین، اکنون می توان گفت که هزینه های مبادله،

هرگونه فرصت طلبی،
به معنی تعدی به
حقوق مالکیت
طرف های مقابل است.

معیار "ب"	معیار "الف"	فابلیت مستثناسازی	غیر قابل مستثناسازی	قابل مستثناسازی	قابل مستثناسازی
فابلیت مصرف مشترک	ازدحام	هزینه های مستثناسازی	هزینه نامحدود	هزینه معقول و متوسط	هزینه ناچیز
قابل مصرف مشترک	بدون ازدحام	(۱) کالای عمومی محض: دفاع ملی، ریشه کنی بیماری های واگیردار، کاهش مالیات های عمومی، بارانه های کشاورزی	(۲) منابع در تملک عمومی (دارایی عمومی): زمین های مرتع گسترده و آزاد، حمل و نقل در کانال ها و رودخانه های بزرگ، خیابان های شهری	(۳) کالاهای عمومی با هزینه معقول: مستثناسازی: تلویزیون کابلی، نمایش عمومی، نعره بر کالاهای غیر مشابه	(۴) کالاهای عمومی با هزینه معقول: مستثناسازی: تلویزیون کابلی، نمایش عمومی، نعره بر کالاهای غیر مشابه
غیر قابل مصرف مشترک	با ازدحام متوسط	(۳) منابع طبیعی در دسترس آزاد: ماهی های اقیانوس ها، معادن کف اقیانوس ها، پرندگان آزاد	(۴) کالاهای عمومی گروهی و عمومی: مختلط: مدارس و دانشگاه ها، سواحل، فضای سبز پارک ها، بزرگراه های دارای عوارضی، محل های پارک کنار خیابان های شهری	(۵) کالاهای عمومی گروهی و عمومی: مختلط: مدارس و دانشگاه ها، سواحل، فضای سبز پارک ها، بزرگراه های دارای عوارضی، محل های پارک کنار خیابان های شهری	(۶) کالاهای عمومی گروهی (کالاهای عمومی محلی (Club Goods): سالن های ورزشی، پارکینگ ها، پل ها و تونل های عوارضی، استخرهای شنا
فابلیت مصرف مشترک	با ازدحام بی نهایت	(۳) منابع طبیعی در دسترس آزاد: ماهی های اقیانوس ها، معادن کف اقیانوس ها، پرندگان آزاد	(۴) کالاهای عمومی گروهی و عمومی: مختلط: مدارس و دانشگاه ها، سواحل، فضای سبز پارک ها، بزرگراه های دارای عوارضی، محل های پارک کنار خیابان های شهری	(۵) کالاهای عمومی گروهی و عمومی: مختلط: مدارس و دانشگاه ها، سواحل، فضای سبز پارک ها، بزرگراه های دارای عوارضی، محل های پارک کنار خیابان های شهری	(۶) کالاهای عمومی گروهی (کالاهای عمومی محلی (Club Goods): سالن های ورزشی، پارکینگ ها، پل ها و تونل های عوارضی، استخرهای شنا
غیر قابل مصرف مشترک	با ازدحام بی نهایت	(۳) منابع طبیعی در دسترس آزاد: ماهی های اقیانوس ها، معادن کف اقیانوس ها، پرندگان آزاد	(۴) کالاهای عمومی گروهی و عمومی: مختلط: مدارس و دانشگاه ها، سواحل، فضای سبز پارک ها، بزرگراه های دارای عوارضی، محل های پارک کنار خیابان های شهری	(۵) کالاهای عمومی گروهی و عمومی: مختلط: مدارس و دانشگاه ها، سواحل، فضای سبز پارک ها، بزرگراه های دارای عوارضی، محل های پارک کنار خیابان های شهری	(۶) کالاهای عمومی گروهی (کالاهای عمومی محلی (Club Goods): سالن های ورزشی، پارکینگ ها، پل ها و تونل های عوارضی، استخرهای شنا



رونالد کوزن، نویسنده کتاب
مساله هزینه های اجتماعی

کوشیده اند تا رفتار کارگزاران و واحدهای اقتصادی را با توجه به انواع سه گانه هزینه های اجتماعی، تحلیل کنند. عنصر مهم جهت دهنده تحلیل های این سه رویکرد و وجه افتراق آنها با نظریه اقتصادی نوکلاسیک، همانا نگرش آنها به نوع رفتار فرد و دولت است.

در اندیشه اقتصاد نوکلاسیک، دولت به گونه ای تعریف شده است (دولت حداقل^(۱۰))، اما قدرتمند و قاطع در اجرای قوانین و در حمایت از حقوق مالکیت که هزینه های مبادله را در کل اقتصاد به حداقل می رساند. اما مطالعات دهه های اخیر نشان داده است که برخلاف تصور نوکلاسیک، هزینه های مبادله، گاهی بسیار سنگین است. اقتصاد هزینه مبادله در چارچوب اندیشه های نهادگرایی (Institutional Theories)، به تحلیل ریشه ها، نقش و شدت این هزینه ها در اقتصاد می پردازد. بنابراین، در حوزه تصمیمات خصوصی، این نقطه اشتراک میان اندیشه های نوکلاسیک و نهادی وجود دارد که وظیفه دولت، بیش و بیش از هرگونه سیاست گذاری (مانند سیاست های اقتصاد کلان برای رشد، سیاست های معطوف به توزیع عادلانه تر درآمدها، جبران شکست های بازار و...) شکل دادن به چارچوب های قانونی و نهادی در جهت حداقل سازی هزینه های مبادله است. اما تفاوت آنها این است که در اقتصاد نوکلاسیک فرض می شود که چنین دولتی وجود دارد (یعنی هزینه مبادله راناجیز می انگارند). آنگاه به تحلیل رفتار اقتصادی واحدها می پردازند. ولی در نظریه هزینه مبادله، تمامی بحث بر سر این است که هزینه های مبادله ناچیز نیستند و عامل اصلی تعیین کننده عملکرد اقتصاد هستند^(۱۱). همچنین در اندیشه نوکلاسیک، از یک سو دولت، به مثابه هویتی یکپارچه

هزینه های اجتماعی هستند که معمولاً در تصمیمات مربوط به تولید، مبادله و مصرف کالاهای مربوط به گروه های سوم تا نهم، به طرفین مبادله تحمیل می شوند (هرچند که ممکن است یکی از طرفین مبادله، دولت باشد). همچنین، سواری مجانی و هزینه های مربوط به آن، هنگامی - توسط فرد، گروه، کمیته یا دولت - رخ می دهد که تصمیم گیری در مورد تولید و توزیع کالاهای عمومی دسته اول و دوم، انجام می گیرد. سرانجام، زانت جوئی و هزینه های آن زمانی پدیدار می شود که دولت، مقامات یا قانونگذاران به دنبال وضع قانون برای هریک از کالاهای کل جدول (دسته بندی نه گانه) هستند. البته زمانی که وضع قانون برای کالاهایی از نوع دسته اول و دوم است، ممکن است که رفتارهای فرصت طلبانه برای سواری مجانی و زانت جوئی به طور یکجاری دهد. همچنین توجه کنیم که خود قانون گذاری نوعی تولید خدمت برای جامعه است که در دسته اول کالاهای طیف جای می گیرد. بنابراین، باید گفت زانت جوئی وقتی رخ می دهد که قرار است یک نوع از کالاهای دسته اول (قانون گذاری) تولید شود. و البته قوانین وضع شده می توانند درباره هریک از انواع نه گانه طیف کالاها باشند. پس زانت جوئی در هنگام تولید یکی از انواع کالاهای دسته اول (قانون گذاری) که خودش نوعی تصمیم گیری برای انواع کالاهای دسته های نه گانه می باشد، رخ می دهد.

اکنون می توان براساس این دسته بندی از تصمیمات اقتصادی و هزینه های اجتماعی، تئوری های مربوط به هر کدام را شناسایی کرد. اقتصاد هزینه مبادله (Transaction Cost Economics)، نظریه کنش جمعی (Theory of Collective Action) و نظریه انتخاب عمومی (Theory of Public Choice) سه رویکرد جدیدی هستند که

زانت جوئی و
هزینه های آن زمانی
پدیدار می شود که
دولت، مقامات یا
قانونگذاران به دنبال
وضع قانون برای
هریک از کالاها
هستند.

نظریه‌ها و فروز رفتاری درباره افراد و دولت

جدول شماره دو

نام نظریه	نوع هزینه اجتماعی حاصل از رفتار فرصت‌طلبانه	نوع رفتار فرصت‌طلبانه واحدهای خصوصی یا دولتی (تجربه برخورد با حقوق مالکیت)	اطلاعات (افراد، واحدها یا دولت)	ماهیت دولت	نوع کالا
نوکلاریسم	وجود ندارد	وجود ندارد	کامل	نیکخواه	کالاهای خصوصی
نظریه هزینه مبادله	هزینه‌های مبادله	عدول از قراردادهای خصوصی (نا توانی دولت در تضمین قراردادها)	ناقص		
نوکلاریسم	وجود ندارد	وجود ندارد	کامل	نیکخواه	کالاهای عمومی؛ کالاهای مادی و ملموس یا خدمات عمومی
نظریه کنش جمعی	منافع از دست‌رفته ناشی از ناکارایی سطح تولید، هزینه‌های مربوط به تشکیل گروه‌های همسود و...	سواری مجانی	ناقص		
نوکلاریسم	وجود ندارد	وجود ندارد	کامل	نیکخواه	کالاهای عمومی؛ فانونگذاری، تعیین حقوق مالکیت
نظریه انتخاب عمومی	منافع از دست‌رفته به واسطه سطح ناکارایی تولید، هزینه‌های رانت‌جویی، هزینه‌های تشکیل گروه‌های همسود و...	رانت‌جویی مقامات، رانت‌جویی گروه‌های همسود	ناقص	غیرنیکخواه (لوابتان‌هابزی)	

و نیکخواه در نظر گرفته شده است که دارای اطلاعات کامل نیز هست، یعنی هم قدرت تشخیص تابع رفاه اجتماعی را دارد و هم می‌کوشد تا رفاه اجتماعی را حداکثر سازد؛ و از سوی دیگر، پیگیری نفع شخصی از سوی افراد نه تنها پدیده‌ای میمون است، بلکه مجموعه این فعالیت‌های انفرادی منفعت‌طلبانه، به حداکثر رفاه یا خیر اجتماعی نیز می‌انجامد (۱۲).

اما نظریه انتخاب عمومی، دولت را نه یک پیکره یکپارچه و نیکخواه، بلکه مجموعه‌ای از همان انسان‌های منفعت‌طلب می‌نگرد که در تصمیمات عمومی (سیاست‌گذاری‌ها و تنظیم قوانین و...) نه فقط گوشه‌چشمی به منافع شخصی دارند، بلکه اصولاً در پی حداکثرسازی آن هستند. در واقع، تئوری پردازان انتخاب عمومی، دولت را به گونه یک لوابتان‌هابزی (۱۳) می‌نگرند که تصمیماتش در حوزه عمومی، تابع تمایلات مقامات است. بنابراین، تمایلات مقامات می‌تواند از طریق اتخاذ سیاست‌های غیربینه برای جامعه (و البته سودمند یا دارای رانت‌ها و امتیازهایی برای مقامات) هزینه‌هایی را بر جامعه تحمیل کند. از این گذشته، افراد و واحدهای منفرد که دارای منافع مشترکی هستند، می‌کوشند تا با تشکیل گروه‌های همسود (گروه‌های ذینفع) و از طریق فشار سیاسی، چانه‌زنی یا حتی صرف هزینه‌هایی (برای تبلیغات، رشوه و...) مقامات را به اتخاذ تصمیمات و تصویب قوانین در جهت منافع خود (گروه همسود) سوق دهند. اینگونه رفتارها وقتی در یک نظام اقتصادی - سیاسی، فراگیر و گسترده می‌شوند، هزینه‌های سنگین برای اقتصاد دارند و می‌توانند اقتصاد را به مرز سقوط بکشانند. تحلیل رفتارهای رانت‌جویانه در یک اقتصاد، محور تحلیل‌های نظریه انتخاب عمومی را تشکیل می‌دهد.

اما نهادگرایان جدید (۱۴) که دربرگیرنده دو رویکرد هزینه مبادله و کنش جمعی هستند، دولت را همچون نوکلاریسم‌ها - یک موجود نیکخواه می‌دانند، ولی برخلاف نوکلاریسم‌ها، نه تنها معتقد

نیستند که این موجود نیکخواه دارای اطلاعات کامل است و قادر است وظایف کلاسیک و سنتی خود را (حفاظت از حقوق مالکیت، حفظ استانداردها و...) به طور کامل انجام دهد، بلکه افراد و کارگزاران اقتصاد را نیز دارای انگیزه‌های رفتار فرصت‌طلبانه می‌دانند (برخلاف نوکلاریسم‌ها که مساله فرصت‌طلبی را نادیده می‌انگارند). بر این اساس، تحلیل هزینه مبادله و تحلیل رفتارهای مربوط به کنش جمعی (سواری مجانی، تشکیل گروه‌های همسود و...) در مرکز تحلیل نهادگرایان واقع می‌شود. به طور خلاصه، انواع نظریات و اختلافات بنیادین آنها را - با اندکی مسامحه - می‌توان به گونه‌ای که در جدول شماره دو چکیده شده است، نشان داد. اختلاف بنیادین نهادگرایان با نوکلاریسم‌ها، در فرض پذیرش رفتارهای فرصت‌طلبانه توسط بخش خصوصی و اطلاعات ناقص است. در واقع، نهادگرایان جدید چارچوب تحلیل نوکلاریسم را می‌پذیرند، اما با سست کردن فروض آنها در مورد ناچیز بودن هزینه مبادله (فقدان رفتارهای فرصت‌طلبانه) و وجود اطلاعات کامل، می‌کوشند تا چارچوب تحلیل نوکلاریسم را بسط دهند و پاسخ‌هایی برای برخی واقعیات مشاهده شده بیابند. اما نظریه انتخاب عمومی، سعی دارد تا با بازنگری در پیش‌فرض‌های اساسی نظریه نوکلاریسم، طرح تازه‌ای دراندازد. مهمترین نقطه افتراق آنها با دیدگاه نوکلاریسم نیز از نگرش آنها به دولت آغاز می‌شود. آنان همین که ویژگی نیکخواهی را از دولت ستانند و همه مردم را - و از جمله مقامات را - کارمندانی دیدند که نه در پی حداکثرسازی رفاه جامعه، بلکه در پی حداکثرسازی منافع خویش (قدرت، ثروت و منزلت) هستند، راه را برای رانت‌جویی در اقتصاد گشودند. وقتی که دولت راز و ویژگی داشتن اطلاعات کامل نیز تهی کنیم، آنگاه امکان و شدت رانت‌جویی، افزون می‌گردد. اما فراموش نکنیم که به علت آمیختگی و

خود قانون، یک کالای عمومی است و قانونگذاری نیز تولید کالای عمومی محسوب می‌شود.

پیچیدگی تفکیک فعالیت‌های قانونگذاری و تولید کالاهای عمومی، کشیدن خط فارغ میان نظریه کنش جمعی و نظریه انتخاب عمومی دشوار است. در بسیاری از موارد، این دو نظریه همپوشانی دارند و یک پدیده را از دو نظر تحلیل می‌کنند.

زیرنویس‌ها

۱) تصمیم اقتصادی را می‌توان از جنبه‌های مختلف تعریف کرد: از جنبه هزینه و درآمد، تخصیص منابع کمیاب، مدیریت، رفاه و مطلوبیت و... تعریفی که در اینجا ارائه شده است، بر جنبه حقوقی تصمیم اقتصادی تأکید دارد.

۲) برای بحث گسترده‌تر درباره حقوق مالکیت، بنگرید به رناتی (۱۳۷۶) فصل هشتم.

۳) برای بحث مبسوط درباره سرچشمه اقتدار برای انواع تصمیمات، بنگرید به رناتی (۱۳۷۷).

۴) برای بحث نظری درباره هزینه‌های مبادله، بنگرید به Coase (۱۹۶۰)، نورث (۱۳۷۳) و نورث (۱۳۷۷)، و برای بحث در مورد هزینه مبادله در ایران، بنگرید به رناتی (۱۳۷۶) فصل‌های ۹ و ۱۰.

۵) درباره گروه‌شناسی انواع کالاها در بخش بعدی گفتگو خواهد شد. برای بحث تفصیلی‌تر بنگرید به ماسگریو (۱۳۷۳) فصل‌های سوم و چهارم، یا Jones and Cullis (۱۹۸۸) فصل سوم. ۶) تحلیل رفتار گروه‌های همسود، در بخش‌های بعدی همین نوشته انجام خواهد شد، اما برای بحث مبسوط می‌توان به Milner (۱۹۹۱) مراجعه کرد.

۷) البته باید توجه داشت که در تصمیمات عمومی، علاوه بر هزینه‌های اجتماعی مربوط به سواری مجانی و رانت‌جویی، هزینه‌های مبادله نیز می‌توانند وجود داشته باشند.

۸) بحث گسترده‌تر درباره این معیارها و درباره نقاط قوت و ضعف آنها را می‌توان در ماسگریو - ماسگریو (۱۳۷۳) یا در Nabli and Nugent (۱۹۸۹) دنبال کرد.

۹) این جدول، با اندکی اضافات، از Nabli and Nugent (۱۹۸۹) اقتباس شده است.

۱۰) دولت حداقل، دولتی است که عمده‌ترین وظایفش عبارتند از: حفظ امنیت داخلی و امنیت مرزها، تعریف و تضمین جدی قوانین و حقوق مالکیت مردم (از طریق دستگاه دادگستری سریع، ارزان، بی‌طرف، دردسترس همگان و قاطع)، تعریف استانداردها و انتشار پول، چنین دولتی، هیچ نقش و مداخله‌ای در فعالیت‌های اقتصادی و دیگر امور اجتماعی ندارد. ۱۱) بحث مبسوط را در نورث (۱۳۷۷) دنبال کنید.

۱۲) درباره ماهیت انواع دولت در مکاتب گوناگون، بنگرید به Aronson and Ott (۱۹۹۱).

۱۳) Leviathan نام کتاب «هابز» است. این فیلسوف انگلیسی (۱۶۷۹-۱۵۸۸)، در این کتاب می‌کوشد تا نشان دهد که بهترین شکل حکومت، حکومت سلطنتی است. او معتقد است که اختیارات دولت باید مطلق باشد و نشان می‌دهد که چگونه هر حکومتی به غیر از مطلقه سلطنتی (حتی حکومت دموکراسی) به فساد و تباهی می‌گراید. در واقع، اشاره نظریه انتخاب عمومی، به دولتی است که ویژگی‌های ذکر شده در لویاتان را دارد و خواه ناخواه به سوی فساد می‌رود. البته این رویکرد نظریه پردازان انتخاب عمومی، به مفهوم تأیید نظر «هابز» در مورد لزوم حکومت مطلقه سلطنتی نیست. برای آگاهی تفصیلی از مباحث لویاتان بنگرید به: برتراند راسل، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریابندری، تهران، ۱۳۶۵، جلد دوم، فصل هشتم.

۱۴) New Institutionalists، نهادگرایان جدید در حوزه علم اقتصاد، صاحب‌نظرانی هستند که می‌کوشند تا تحلیل‌ها را در همان چارچوب‌های مرسوم نوکلاسیکی بسط دهند و پاسخ‌های جدید بیابند، در حالی که نهادگرایان قدیمی، می‌کوشیدند تا طرحی نو دراندازند و اصولاً از چارچوب‌های تفکر نوکلاسیک خارج می‌شدند و آن را نقد ریشه‌ای می‌کردند.

منابع و ماخذ

۱) رناتی، محسن / بازار یا نابازار؟ بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران / سازمان برنامه و بودجه / تهران / ۱۳۷۶.

۲) رناتی، محسن / پوش‌های درونی در ترکیب دولت و بازار / مجموعه مقالات همایش پنجاه سال برنامه‌ریزی توسعه در ایران / اسفند ۱۳۷۷ / دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی / تهران.

۳) ماسگریو، ریچارد؛ ماسگریو، پگی / مالیه عمومی در تئوری و عمل / ترجمه مسعود محمدی و یدالله ابراهیمی فر / سازمان برنامه و بودجه / تهران / ۱۳۷۳.

۴) نورث، داگلاس سی / دولت و هزینه مبادله در تاریخ / ترجمه علی طوسی اردکانی / مجله برنامه و توسعه / شماره ۱۸ / تابستان ۱۳۷۳ / صفحات ۱۳۶-۱۱۷.

۵) نورث، داگلاس سی / نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی / ترجمه محمدرضا معینی / سازمان برنامه و بودجه / تهران / ۱۳۷۷.

6) Aronson J. Richard and Ott, Attiat F. / "The Growth of the Public Sector" / in Companion to Contemporary Economic Thought / Ed. By David Greenaway et al. (1991) / Routledge / pp. 523-546.

7) Coase, Ronald H. / 1960 / "The Problem of Social Cost" / J. of law and Economics / 3:1-44.

8) Cullis, John and Jones, Philip / "Public Finance and Public Choice" / Oxford University Press / Sec. Ed / 1998.

9) Klein, Philip A. / "The Institutionalist Challenge: Beyond Dissent" / in Institutional Economics, Theory, Method, Policy / Ed. By Marc R. Tool / 1993.

10) Milner, Chris / "Interest Groups and Policy Formulation" / in Companion to Contemporary Economic Thought / Ed. By David Greenaway et al. (1991) / Routledge / pp. 697-712.

11) Mueller, Dennis C. / "Public Choice Theory" / in Companion to Contemporary Economic Thought / Ed. By David Greenaway et al. (1991) / Routledge / pp. 207-251.

12) Nabli, Mustapha K. and Nugent, Jeffrey B. / "Co. Action, Institutions and Development" / in The New Institutional Economics Development / Ed. By Nabli and Nugent / North-Holland / 1989 / pp: 80-137.

13) Papandreou, Andreas A. / "Externality and Institutional" / Oxford Press / 1998

14) Samuels, Warren J. / "Institutional Economics" / in Companion to Contemporary Economic Thought / Ed. By David Greenaway et al. (1991) / Routledge / pp. 105-118.

15) Tullock G. / "The Welfare Costs of Tariffs, Monopolies and Theft" / Western Economic Journal / 5,3,1967 / pp: 224-232.

نظریه انتخاب عمومی، دولت رانه یک پیکره یکپارچه و نیکخواه، بلکه مجموعه‌ای از همان انسان‌های منفعت طلب می‌نگرد که در تصمیمات عمومی (سیاستگذاری‌ها و تنظیم قوانین و...) نه فقط گوشه چشمی به منافع شخصی دارند، بلکه اصولاً در پی حداکثرسازی آن هستند.

